

زندگی خود خلاصی و آزادی جست و شاهد مرگ را باشوق در آغوش گرفت و گویند در دم مرگ سه مرتبه فریاد کرد «خوهر» به آرامی در گذشت و احتمال میدهند که در آن ساعت هونانک خوهر خود الیزابت را صدا میزد که هفتاد سال قبل فوت کرده بود و ایفک برای راهنمایی برادر خود بديار بقاء ببالین مرگ وی حاضر شده بود

بقلم : مرتضی مدرس چهارم

(تأثیر علمی و ادبی ایران در تازی)

(خطابه)

(۱)

عرب با خطابه سروکار دارد و در روزهای شادمانی و سوگواری و جنگها و پیشرفت‌ها و تشکیل زندگانی‌های تازه خطابه‌های شیوا و دلکش از آنان ایراد میشود. عرب دوستار خطابه است و خطابه در او خیلی میباشد. هر عربی را میتوان گفت در هنگام ضرورت خطابه‌های شیوا انشاء میکند. عرب با خطابه بدینیا آمده و با آن پرورش میشود. شبها و روزها نیاز به آن دارد و در اثر خطابه تشکیل خانواده‌ها و جمعیت‌های تازه داده و هر تازی دوست دارد که ناطق شده و بتواند گروه گروه مردم را از گفته‌های خود دگرگون سازد !!

تا آنجائیکه تاریخ گواهی میدهد خطابه در عرب تاثیرات زیادی داشته و دارد و خطبای عرب هر کدام در جهان خطابه دست و زبان (دمستن ناطق) مشهور یونان را بسته و بهترین شاهکارهای خطابه از آنان تراوش کرده که در صفحات تاریخ و ادب عرب ثبت میباشد.

تازیان با خطابه بیشتر از شعر و شاعری سروکار دارند و بلکه این نعمت خدادادی از روز نخست در آنان بوده و در بهترین زمانها آن را به کار انداخته‌اند از هزاران نفر تازی یک نفر پیدا میشود که گوی سبقت را در میدان خطابه برده

و عرب اورا ناطق بداند !!

این گونه خطبا باید خداوند نطق و فصاحت باشند تا بتوانند در دوره‌های زندگی امتحانات خوبی از شیوایی سخنوری داده و در جمعیت‌ها اثراتی از گفتارهای خود ایجاد سازند در این صورت چگونه ایرانیان می‌توانند درین معرکه ادبی و اجتماعی نوعی داخل شوند که عرب آنان را ناطق بشمار آورد. کار بس دشواری است مردمی که بیگانه از زبان و گفتار قومی باشند پس از آشنا شدن بزبان آنان بتوانند در برابر گروه بسیاری سخنوری نمایند و تازه این گونه مردمان در ردیف مردم معمولی آن قوم بشمار می‌روند. چنانکه گفتیم همه تازیان خطیب هستند و با خطابه سروکار دارند يك قریحه و استعداد توانائی لازم است که در این میدان گوی افتخار را بر باید !! قریحه توانای ایرانی هر اندازه بلند و سرشار باشد فصاحت گفتار و شیرینی سخنوری که آمیخته با احساسات باشد کمتر پیدا می‌شود. ایرانی هر اندازه توانا در نویسندگی تازی باشد و خوب شعر گوید و خوب بنویسد ناطق کجا و نویسند کجا؟! اگر گاهگاهی یکی از ایرانیان بتواند خطابه ایراد کرده و گروهی از تازیان بدور او گرد آمده و پیروی از گفتارهای او کنند باز نمیتوان اورا ناطق عرب دانست چه آنکه ایرانی تازه مانند خطیب عرب شده و برتری بر دیگران ندارد تا تاریخ نام اورا یاد آوری کند!!

آن ایرانیانیکه تاریخ بهمانشان می‌دهد که عرب آنانرا از خطبا بشمار آورده باید دانست که ناطق عادی نبوده بلکه مانند آنانی هستند که تاریخ و ادب عرب آنانرا خطیب دانسته و سزاوار نوشتن نام آنانرا میداند !! ایرانیانیکه در صفحات تاریخ تازی ناطق و خطیب شناسائی شده سرآمد دیگران بوده و در ردیف خطبای بزرگ بشمار می‌روند چه آنکه کودکان دبستانی عرب هم گاهگاهی در انجمن‌ها و جمعیت‌ها ایستاده و خطابه‌های شیرین و دلکشی از آنان بروز مینمایند که همه شنوندگانرا محو گفتار و سخنوری خود مینمایند. آنانیکه خطابه‌های مهیج و پر حرارت عرب را دیده و شنیده‌اند که جهان بلاغت و فصاحت را بایکدسته ازیند

و اندرزهای حکیمانه آمیخته ساخته بازبانی شیرین و مؤثر ادا میکنند میدانند که انشاد خطابه در عرب تاجه اندازه کار دشوار و طاقت فرسائی است و کمتر کسی از غیر عرب توانسته است که این گوی افتخار را ربوده و تازیان او را خطیب بماند خوش بختانه بشهادت تاریخ ایرانیان در این معرکه مانند بخش‌های دیگر بهرهای وافق داشته و از برادران تازی عقب نمانده‌اند و گاهگاهی گوی پیش‌دستی را هم از آنان ربوده‌اند. ایرانیان در خطابه از احساسات و خیال‌ها و سلیقه‌های آریائی دست برنداشته و جان تازه به پیکره خطابه تازی داده‌اند.

هر گدام از ایرانیان به اندازه خود تأثیراتی در خطابه عرب نموده و تا اندازه که تاریخ گواهی میدهد این دسته از مردم آریائی موافق روحیات و احساسات ملی خود رنگ آمیزی‌های فراوانی در خطابه عرب نموده و تأثیرات زیادی داشته است که بسیاری از تازیان از آنان پیروی کرده و شیفته گفتار و توانائی خطابه آنان شده‌اند. يك نگاه به کتابهای تاریخ و ادب نشان میدهد که ایرانیان خطابه را از عرب آموخته و مدتی از آن اقتباس کرده‌اند و مادر اینجا نام چند تن از ایرانیانی که در خطابه در عرب مشهور بوده و از بزرگان این رشته بشمار می‌روند ثبت می‌کنیم:

ابومسلم خراسانی - (۱۰۰ - ۱۳۷ هـ) (۷۱۹ - ۷۵۰ میلادی) مؤسس

سلطنت بنی‌العباس از خداوندان شمشیر و خطابه و قلم بشمار می‌رود و در هر يك از آنان از بزرگان بوده و آثاری از خود بیادگار گذارده است که نمونه از آن در صفحات تاریخ بهترین تجلیات روح ایرانی را نشان میدهد. همه میدانند که هر يك از ملکه‌های خطابه و شمشیر و قلم باید دیگر گرد نمی‌آیند. نویسنده شاعر توانا نیست و شمشیرزن خطیب ماهری نمی‌تواند بشود و ناطق نویسنده مقتدری نمی‌گردد کمتر تاریخ نشان میدهد که آدمی بتواند در دوای آنان از خداوندان بشمار آمده و در هر دو تخصص داشته باشد. ابومسلم خراسانی بشهادت دوست و دشمن خطیب شمشیر زن و صاحب قام است و می‌گویند همان

اندازه که شمشیر او در تالیس بنی العباس کارگر بود خطابه‌ها و نوشته‌های او هم همان تأثیرات غریب‌زا دارا بود و صفحات تاریخ قطعه‌قطعه خطابه‌های او را نقل می‌کند. تاریخ ابومسلم را خطیب بلیغ معرفی میکند و هر گاه خدا خواست شرح زندگانی مفصل او را به پیشگاه خوانندگان ارمغان ارمغان مینمایم.

ابن مقفع (۱۰۷۱ - ۱۰۴۳) (۷۲۶ - ۷۶۱ م) نویسنده کتاب کلبه و دمنه را عرب خطیب بلیغ و فصیح میداند.

ابو حنیفه (۸۰ - ۱۰۰ هـ) (۷۰۰ - ۷۷۸ م) نعمان بن ثابت از بزرگان اسلامی و یکی از پیشوایان چهارگانه‌انیت که اهل سنت از او پیروی می‌نمایند گویند سخنان شیرین‌زبانی بود که مردم را برای اسلام دعوت مینمود.

جعفر برمکی - از خداوندان فصاحت و بلاغت بود و از مشاهیری است که در خطابه با بلاغت و فصاحت زبان داشت و در روی جسر بغداد در ۱۸۷ هـ ۷۰۴ میلادی او را بدار کشیدند.

بشار (۷۵ - ۱۶۷ هـ) (۶۹۰ - ۷۸۴ م) از شعرای شیرین‌سخن ایرانیست که در خطابه هم توانا بود و تازیان او را خطیب میدانند.

اخطب خوارزم - موفق بن احمد خوارزمی صاحب فقه و حدیث و خطب و اشعار و کتاب (فضائل اهل‌البت ص) او را اخطب خوارزم نام نهاده‌اند و فانش در ۴۸۶ هـ اتفاق افتاده.

شهرستانی - ابو الفتح شهرستانی (۴۶۷ - ۵۴۸ هـ) (۱۰۷۴ - ۱۱۵۳ م) از دانشمندان بزرگ اسلامی است و از تالیفات او کتاب نه‌ایة الاقدام فی علم الکلام و کتاب الملل والنحل و تلخیص الاقسام لمذاهب الانام است حافظه خوبی داشت و در ۵۱۰ بر بغداد رفت و مدت سه سال در آنجا اقامت نمود و خطیب ذواللسانین (فارسی و عربی) بود و گفته‌های او مورد پسند گروه بسیاری از مردم گردید و گاهگاهی شعر میسرود مانند:

لقد طفت فی تلك المعاهد كلها وسیرت طرفی بین تلك المعالم

قلم ارالا واضعاً کف حائر علی ذقن اوقارعا سن نادم
غزالی - (۴۰۱ - ۵۰۰ هـ «۱۰۰۸ - ۱۱۱۱ م» حجة الاسلام ابو حامد
غزالی می گویند که چشم روزگار مانند او را تا کنون ندیده است و در خطابه و
قلم از نوادر روزگار بشمار میرود محاضرات علمی او مشهور است و بخشی از آنها
در کتابهای علمی ثبت شده.

ابوالفضل - عبدالله بن احمد طوسی از دانشمندان مشهور موصل و خداوند
نعمت حدیث و خطابه را به او از زانی داشت. در طوس تولد پیدا کرده و به شهر موصل
مهاجرت کرد و مقام استادی را دارا بود و فاتهش در ۵۹۴ هـ - ۱۱۹۸ میلادی.

فخرالدین رازی - ۵۴۴ - ۶۰۶ هـ ۱۱۵۰ - ۱۲۱۰ م از دانشمندان
بزرگ و حکمای بزرگ شرق بشمار مرود و از تالیفات او شرح اسماء الله الحسنی
و شرح الاشارات و شرح الکلیات للقانون در طب است و در خطابه ذوالمسائین بود و در
مجلس او درهرات ارباب مذاهب و مقالات حاضر می شدند. ابن خلکان مینویسد
هریک از صاحبان مذاهب از فخر رازی پرسشها مینمودند و با شیرین ترین سانی
به آنها جواب گفته و حل مشکلات می نمود و درهرات به شیخ الاسلام لقب داشت.
پیش از بروز سید جمال الدین افغانی خطابه در دیار عرب بسیار محدود
بود و تازیان مانند گذشتگان در مباحث باستانی گفتگو می کردند و از شیوه
کنفرانس که تازیان آنرا «محاضرة» می گویند تا این شیوه مخصوص که
از اروپا بروز نموده است آگاهی درستی نداشتند تا آنکه سید جمال الدین در مصر
جلوه نمود و در مباحث سیاسی و اجتماعی و علمی به سبک نوین کنفرانس داد
و گروه گروه مردم تازی بدور او گرد آمده و از سخنانش پیروی کرده و تاثیرات
شگفتی در مدت اقامت کوتاه او در مصر نمود سید شاگردانی را در خطابه پرورش
داد که هر کدام از آنان از ناطقهای زبردست و مشهور شرق شده و خدمتهای
شایانی از راه خطابه به عالم اسلام و شرق نموده اند که تاریخ دوره اخیر مفصلاً
تأثیر خطابه های آنانرا یاد آور می شود - امروزه در مصر کسانی که میخواهند

در خطابه به بزرگی شناسائی دهند او را پرورش شده تاثیر گفته های افغانی دانسته می گویند از کسانی است که پرورش شده آن مکتب بشمار میرود و از خطابه های سید مدرس خطابه را آموخته مانند سعد زغلول باشا که از بزرگان سیاسی و دانشمندان عالم اسلامی بشمار میرود و بزرگترین خطیب زیر دست دوره اخیر میباشد که در دیار تازی پس از افغانی مانند او بروز ننموده است. سعد زغلول از سیراب شدگان و پرورش شده های خطابه های دانشمند بزرگ ایرانی است. تاریخ عرب او و استادش محمد عبده را از شاگردان افغانی بشمار می آورد. بر اثر تاثیر خطابه های افغانی و پیروانش مانند محمد عبده و سعد زغلول تازیان ترقیات سریعی کردند.

سید هبة الدین شهرستانی وزیر معارف سابق بین النهرین که از دانشمندان و نویسندگان مشهور ایرانی در دیار عرب است در دوره استقلال عراق عرب خطابه های پر حرارت و غرا ایراد کرده و رر زنامه های آن زمان آنها را چاپ کرده اند و در چند سال پیش بکرشته از مباحث خدا شناسی و اسلامی را در دانش سرای بغداد کنفرانس داده و بنام کتاب (المعارف العالیه) در بغداد چاپ شده است.

مرحوم سید محمد بن سید محمد کاظم یزدی مفتی مشهور عالم اسلامی و حجة العلم والدين سيد ابوالقاسم کاشانی که از پیشوایان و مؤسسين استقلال بین النهرین میباشد در دوره جنگ خطابه های مهم و تقیسی از آنان تراوش نموده و تاثیرات زیادی در عالم عربی داشته و تاریخ سیاسی عراق نام آنان را ثبت نموده و در خاطرهای برادران عرب هم نقش بسته است سید محمد در شب شنبه در جمادی الاول ۱۳۲۴ بر حمت پیوست

شیخ محمد علی یعقوبی قبری - از شعرا، درجه اول عراق عرب بشمار و گاهگاهی اشعار او در مطبوعات مصر و سوریه چاپ و میشود از خطبای درجه اول دوره کنونی بشمار میرود. گفتگوهای تاریخی را با مباحث اجتماعی آمیخته ساخته و تاثیرات زیادی در جامعه عربی تولید می کند یعقوبی از مدت هشت سال

به این طرف بروز نموده و روز بروز بر عظمت و بزرگواری او در خطابه و ادب افزوده میگردد - گذشته از ایرانیانیکه بزبان تازی ایراد خطابه کرده اند چند نفر از ایرانیان با وجودیکه در دیار عرب بزبان فارسی برقرار منبر رفته و خطابه های دلکش و شیرین ایراد مینموده اند بسیاری از خطبای عرب شیفته گفتار آنان شده و چنان تاثیراتی در آنان نمود که پیروی از خطبای ایرانی نموده و سرمشق خطابه را تا اندازه که ذوق و استعداد تازیان اجازه میداد اقتباس کرده اند و هنوز داستان تاثیر گفتار و خطابه های آنان در دیار تازی در سر زبان هاست مانند شیخ جعفر شوشتری که در صفر ۱۳۰۳ هجری وفات کرد و اگر چه بزبان فارسی خطابه ایراد مینمود از تازیان و ترکان دیار عرب شنیدم که گروه بسیاری در زیر منبر او گرد آمده و از سخنان او بهره مند می گردیدند و در تاثیر سخنان او داستانهای فراوانی گفتگو مینمایند این دانشمند بزرگ با آن همه مقامات علمی و روحانی راه ارشاد و هدایت را در موعظه و خطابه تشخیص داده بود و آوازه تاثیر خطابه های او در تمام عالم اسلامی پیچیده شده گویند روزی والی بغداد که از ترکان عثمانی بود با وجودیکه آشنا بزبان فارسی نبود آوازه شهرت تاثیر خطابه شوشتری را شنیده از بغداد به قصد دیدار خطابه و تاثیر آن به نجف اشرف آمد و در مجلس اول شیفته گفتارهای آسمانی علامه شوشتری گردید و دست ارادت را به او دراز کرده و همه جا از تاثیر خطابه های او گفتگو مینمود.

شیخ غلامرضای طبسی واعظ مشهور ایرانی را در دیار عرب دیدار کردم این جوان ناکام هنگامیکه آغاز سخنوری می نمود تا انجام آن بایانی شیدا و شیرین و فصیح باتندی کلمات را ادا مینمود تازیان می گفتند تا کنون چنین ناطق زبر دستی را ندیده ایم و گروه گروه بدور او گرد آمده از شیوه خطابه های او پیروی مینمودند بارها نویسنده این سطور دیده که خطبای عرب طرز گفتار و شیوه خطابه های او را یاد داشت نموده و بس از آن در خطابه های خود از طبسی پیروی مینمودند و فانش در ۵ شنبه ۳۰ مهر ۱۳۱۵ شمسی ۵ شعبان ۱۳۵۵ قمری در سبزوار اتفاق افتاد